

۴۰ نکته در زمینه تبلیغ نوشتاری

عبدالرحیم موگهی
محقق و نویسنده

طلیعه:

بس نکته با تو گویم شاید ندیده باشی تا دسته دسته نرگس زین باغ چیده باشی
تبلیغ بر سه قسم است:

۱. تبلیغ با زبان و گفتار (تدریس و سخنوری)؛

۲. تبلیغ با قلم و نوشتار (نویسندگی)؛

۳. تبلیغ با عمل و رفتار (اخلاق).

نویسندگی (تبلیغ نوشتاری) نیز سه مرحله دارد:

یک: پژوهش

دو: نگارش

سه: ویرایش.

آن چه در پی آمده با توجه به این سه مرحله، ۴۰ نکته در زمینه تبلیغ نوشتاری است که با زبان ساده نوشته شده، اما شایسته است که با نگاه ساده خوانده نشود. امید است که مقبول افتد و نظریات سودمندتان را ارمغانمان کند.

۱. در تحقیقات و تألیفاتمان کمتر برگفته‌ها و شنیده‌ها - هر چند از انسان‌های مشهور نیز باشد - تکیه کنیم، مگر آن که خودمان آن‌ها را در منابع قابل اعتبار و قابل استناد ببینیم و بیابیم تا پیام این حدیث شامل حال ما نشود:

«... لَا تُحَدِّثِ النَّاسَ بِكُلِّ مَا سَمِعْتَ بِهِ فَكُنْ بِذَلِكَ كَذِباً؛ هر چه را شنیده‌ای به مردم

نگو. زیرا همین کار برای دروغ شمردن آن شنیده (از سوی مردم) بس است».

(نهج البلاغه، نامه ۶۹)

در این صورت، مثلاً خواهیم دید که عبارت «انقلاب ما انفجار نور بود»، با همه شهرتی که دارد، از حضرت امام خمینی رحمه الله و بدین گونه نبوده است. بلکه از یاسر عرفات بوده که پس از پیروزی انقلاب اسلامی وقتی به ایران آمد و به محضر حضرت امام رسید و هنگام گفت‌وگو درباره انقلاب به ایشان عرض کرد:

«آن‌ها [دشمنان انقلاب شما] می‌گویند که زلزله‌ای رخ داده، ما می‌گوییم که انقلاب

نور روی داده». (صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، چاپ اول، تهران،

۱۳۷۸، ص ۱۸۱)

۲. آن چه در تحقیقات و تألیفات، برای خودمان واضح و مفهوم نشده است، برای دیگران توضیح ندهیم و به دیگران تفهیم نکنیم و حتی از ذکر آن نیز بپرهیزیم. زیرا ممکن است آثار نامطلوب و نامقبول و حتی نامشروعی را در پی داشته باشد. مثلاً اگر این نکته که حضرت زهرا علیها السلام دستان مبارکشان را از کفن بیرون آوردند و امام حسن و امام حسین علیهما السلام را در آغوش گرفتند، برای خودمان مفهوم و روشن نشده، آن را برای دیگران بازگو نکنیم و به قلم نیاوریم؛ هر چند شماری از حدیث پژوهان در اعتبار سندی آن نیز خدشه کرده و آن را مخدوش و مجعول دانسته‌اند.

۳. بکوشیم که فضای تحقیقات و تألیفاتمان را حقیقتاً از اکسیژن تحقیق و تألیف به معنای درست و فراگیر آن و با همه ویژگی‌هایش پُر سازیم و با گاز کربنیک‌هایی همچون «تحقیق بازی» و «تألیف سازی» آلوده نکنیم و مانند معماران بساز و بفروش، ما نیز «مؤلفان بچاپ و بفروش» نشویم. مولوی در مثنوی چه دُر سفته که گفته است:

علم تقلیدی بُود بهر فروخت	چون بیابد مشتری، خوش برفروخت
مشتری علم تحقیقی حق است	دائماً بازار او بارونق است
لب بپسته مست در بیع و شری	مشتری بی حد که الله اشتری

شایان توجه است که در دآوری‌ها مانند انتخاب کتاب سال، به خاطر داشته باشیم که همواره پُربرگی یک تحقیق و پُرفروشی یک تألیف به معنای پُرباری آن و پُرفروغی آن

نیست و حتی پر عنوانی فهرست منابع - تا چه رسد به پر عنوانی فهرست مطالب و فهرست تألیفات - نیز همواره به معنای پرمایگی و پراندیشگی آن نیست.

۴. بکوشیم که روحیه «نگرش حقیقی» و «نگارش تحلیلی» را در خود زنده کنیم و روز به روز آن را بالنده تر نماییم. برای به دست آوردن چنین روحیه‌ای می‌توانیم این کارها را انجام دهیم:

یک: مطالعه کتاب‌ها و منابعی که با نگرش تحقیقی و نگارشی تحلیلی نوشته شده‌اند. محقق کسی است که در تحقیقات خویش به کتاب‌ها و منابع دست چندان و حتی گاه به کتاب‌ها و منابع دست دوم نیز مراجعه نمی‌کند. مثلاً یکی از محققان می‌گفت: «من در تحقیقاتم حتی از کتاب شریف بحارالانوار نیز استفاده نمی‌کنم، بلکه به مصادر و مأخذ اولیه‌ای که محدث بزرگ و بزرگوار شیعه، مرحوم علامه مجلسی، خود به آن‌ها استناد کرده است، مراجعه می‌نمایم و اصل حدیث را در آن جا می‌یابم و سپس با رعایت شروطش به آن استناد می‌کنم».

دو: در زندگی علمی، همنشین شدن با کسانی که در مسائل فکری و علمی تحقیقی می‌نگرند و تحلیلی می‌نگارند. از این جهت، محقق در زندگی علمی خویش، با کسانی که در اندیشه و اندیشیدن «مقلد» هستند، نمی‌نشیند. به قول مولانا:

از محقق تا مقلد فرق‌هاست کاین چو داوود است و آن دیگر صداست
منبع گفتار این سوزی بُود وان مقلد، کهنه‌آموزی بُود
سه: مطالعه زندگی و شیوه علمی کسانی که مقلدانه نمی‌اندیشیده‌اند و محققانه می‌نوشته‌اند. بدین‌رو، زندگی و روش علمی علامه امینی، علامه طباطبایی، علامه مطهری و علامه جعفری - رضوان الله علیهم اجمعین - می‌تواند الگویی پسندیده باشد. یا مثلاً گفته‌اند: «یکی از محققان می‌خواسته در کتاب دایرة المعارف خویش، مترائ پل قدیمی و سمبلیک اهواز را بنویسد. بدین منظور، هیأتی را از تهران به اهواز می‌فرستد تا دقیقاً مترائ آن را محاسبه نمایند و آن‌گاه در دایرة المعارف خود بنگارد».

چهار: حضور داشتن در جلسات و شرکت کردن در مجالس علمی‌ای که با نگرش تحقیقی و تحلیلی تشکیل می‌شود. بدین جهت، محقق کسی است که در زندگی علمی‌اش، به جلسات و مجالس غیر علمی و جلسات و یا مجالسی که عنوان علمی دارد، اما روشی غیر تحقیقی و غیر تحلیلی نیز دارد، پا نمی‌گذارد.

۵. پژوهش‌های خویش را پس از نگارش نهایی و برای برخورداری از صحت و دقت بیش‌تر، دست‌کم به دو تن و با این دو دیدگاه و ویژگی بدهیم:

یک: از دیدگاه پژوهشی و یا دو ویژگی دقت داشتن و وقت گذاشتن.

دو: از دیدگاه نگارشی و با دو ویژگی دقت داشتن و وقت گذاشتن.

۶. در تحقیقات و تألیفات خود و متناسب با مطالب و مخاطبان آن، از مواد و مطالب زیر به عنوان استناد و یا استشهاد استفاده نماییم:

یک: آیات قرآن.

دو: روایات معصومان علیهم‌السلام.

سه: اصول منطقی و قواعدی عقلی.

چهار: قوانین تجربی و نظریات علمی.

پنج: نظریات و سخنان بزرگان دین و دانش.

شش: شعر.

هفت: داستان و خاطره.

هشت: آمار و اخبار.

نه: تمثیلات و امثال و حکم.

ده: طنز و لطیفه.

۷. چنان چه در تحقیقات و تألیفات از آیات کریم قرآن و روایات شریف معصومان علیهم‌السلام

استفاده می‌نماییم، به این ظرافت و لطایف، خوب بنگریم:

یک: در برداشت از آیات و روایات، دقیق باشیم و به کتاب‌های معتبر و تفسیری مراجعه نماییم تا به طور مثال از آیه ۱۱ سورة رعد، یعنی «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...»، برداشت اجتماعی و سیاسی و تاریخی نکنیم و این چنین نگوییم: «خدا تاریخ و سرنوشت هیچ اجتماعی را از بد به نیک تغییر نمی‌دهد، مگر آن که آنان به خود آیند و تاریخ و سرنوشت خویش را با دستان خودشان از بد به نیک تغییر دهند»؛ زیرا به قرینه آیه ۵۳ سورة انفال یعنی «ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكْ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ...»، معنای آیه و برداشت از آن بدین‌گونه است: «خدا هر نعمتی را که بر اثر پیروی از فطرت و سنت الهی به قومی

بخشیده است تا مادامی که نیت خود را از نیک به بد تغییر ندهند و در سبب‌سازی و نعمت‌دهی او شک نکنند و دچار هوی پرستی نگردند، خدا آن نعمت را از نیک به بد و نه از بد به نیک، تغییر نمی‌دهد». برای توضیح بیش‌تر به تفسیر المیزان، اثر علامه سید محمد حسین طباطبایی، جلد ۱۱، صفحه ۳۱۰ تا ۳۱۶ (ذیل همین آیه) و به ترجمه قرآن کریم و همراه با توضیحات آن، از آقای بهاء‌الدین خرّمشاهی، صفحه ۲۵۰ (ذیل همین آیه) مراجعه نمایید. دو: در ترجمه آیات و روایات، بسیار دقت کنیم تا مثلاً عبارت «وَلَا تَحْسَبَنَّ» را در آیه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتاً...» به صورت جمع (و هرگز مپندارید) ترجمه نماییم و آن را به صورت مفرد (و هرگز مپندار) ترجمه کنیم؛ زیرا «وَلَا تَحْسَبَنَّ» قالب و صیغه مفرد است و قالب و صیغه جمع آن، «وَلَا تَحْسَبَنَّ» به ضمه حرف باء است.

سه: در نوشتن آیات و روایات دقت نماییم تا مثلاً عبارات «و إِنْ لَمْ تَفْعَلْ» را در آیه «يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...» به صورت «...فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ...» ننویسیم.

چهار: در اعراب‌گذاری آیات و روایات توجه داشته باشیم تا مثلاً حرف نون مفتوح در کلمه «نَعْمَةً» را که در آیه ۲۷ سوره دخان است، به صورت نون مکسور، یعنی «نِعْمَةً» ننویسیم.

۸. اگر در تحقیقات و تألیفات خویش از شعر به عنوان دلیل و یا استناد سخن استفاده می‌نماییم، به این نکات توجه کنیم:

یک: هیچ‌گاه از شعر به عنوان دلیل و یا استناد سخن استفاده ننماییم، بلکه از آن به عنوان تأیید سخن و استشهاد برای آن و گاه برای تغییر ذائقه خوانندگان بهره ببریم و اگر دیگران نیز در استفاده از شعر، به غیر گونه‌ای که گفته شد، عمل کردند، ما نیز آنان را مورد نقد قرار دهیم؛ زیرا کسی ممکن است در برخورد با دشمن و مدارا کردن با او به این شعر حافظ استناد کند: آسایش دوگیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروّت با دشمنان مدارا و شخص دیگری نیز ممکن است در برخورد با دشمن و مدارا نکردن با او به این شعر سعدی استناد نماید:

امروز بگش، چون می‌توان گشت	کاتش چو بلند شد، جهان سوخت
مگذار که زه‌کند کمان را	دشمن که به تیر می‌توان دوخت

دو: در انتساب شعر به شاعر دقت کنیم تا مثلاً بیت «موجیم که آسودگی ما عدم ماست / ما زنده به آنیم که آرام نگیریم» را که از کلیم کاشانی و از نظر تربیت مصراع‌ها به صورت پیشین است، به اقبال لاهوری نسبت ندهیم. گفتنی است که این بیت در ترجیع‌بند ساقی‌نامه کلیم کاشانی است و مطلع بند پنجم پنجم آن بدین صورت است: «مستیم و عنان دل خود کام نگیریم / تا جام بُود عبرت از ایام نگیریم / کلیات طالب کلیم کاشانی، به تصحیح مهدی صدری، ۲ جلد، چاپ اول، تهران، نشر همراه، ۱۳۷۶، ج ۲، صفحه ۸۳۳».

سه: اشعار را از نظر کلمات و چینش، به‌طور درست بخوانیم و بنویسیم تا مثلاً این بیت مولوی در مثنوی را، یعنی «چون که با کودک سر و کارم فتاد / هم زبان کودکی باید گشاد»، به صورت «چون که با کودک سر و کارت فتاد / پس زبان کودکی باید گشاد» نخوانیم و ننویسیم. چهار: اشعاری که در تحقیقات و تألیفاتمان به کار می‌گیریم از نظر وزن و قافیه معیوب نباشد. به‌طور نمونه، بیت «یار جسمانی بُود رویش چو مرگ / صحبتش شوم است باید کرد ترک» دارای عیب قافیه‌ای به نام اکفاء یا همان اختلاف روی است که در این بیت، حرف روی در آخر دو کلمه «مرگ» و «ترک» با یکدیگر مطابقت ندارد و یکی حرف «گ» و دیگری حرف «ک» است. ۹. چنانچه دوست داریم تحقیقات و تألیفاتمان با استقبال روزافزون خوانندگان و مخاطبان آن روبه‌رو شود، از گفتن سخنان کلیشه‌ای و باسیمه‌ای و مطالب کهنه و نخ‌نما دوری کنیم و به گفتن سخنانی تازه و مطالب نو و با طراوت روی آوریم و خداوکیلی حرفی برای گفتن داشته باشیم. کلیم کاشانی چه خوش گفته است:

گر متاع سخن، امروز کساد است «کلیم» تازه کن طرز که در چشم خریدار آید
 ۱۰. اگر به این حقیقت روشن و ساده توجه کنیم - هرچند با تلقین به خویشتن هم باشد - که «مادرزاد، محقق و مؤلف نبوده‌ایم» و همان‌گونه که برای فراگیری علوم و فنون دیگر و یادگیری «ضرب زید عمر» وقت فراوانی را صرف و گاه تلف کرده‌ایم، برای محقق و مؤلف شدن نیز باید وقت فراوانی را صرف کنیم. آن‌گاه پیش از آغاز هر تحقیق و پژوهش و هر تألیف و نگارش، به فراگیری دو فن و هنر مهم روی بیاوریم:

یک. روش تحقیق و پژوهش.

دو. روش تألیف و نگارش.

۱۱. پیش از فراگیری دو روش باید روش‌هایی را نیز فراگیریم و آن‌گاه خواهیم دید که تحقیقات و تألیفاتمان از صحت، دقت و سرعت بیش‌تری نیز برخوردار شده و چه زیبا گفته‌اند: «اگر به من روش ماهیگیری را یاد دهید، بهتر از آن است که هر روز به من یک ماهی بدهید.» آن روش‌ها عبارت است از:

یک: روش مطالعه و تندخوانی.

دو: روش تلخیص و خلاصه‌نویسی.

سه: روش فیش‌برداری و یادداشت‌برداری.

چهار: روش تنظیم فیش‌ها و دسته‌بندی یادداشت‌ها.

پنج: روش نقد و بازنگری مطالب و یادداشت‌ها.

شش: روش طبقه‌بندی کتاب‌ها و تنظیم کتابخانه.

هفت: روش مأخذشناسی و کتابشناسی.

هشت: روش ترجمه.

نه: روش کار با رایانه و استفاده از برنامه‌های رایانه‌ای.

۱۲. با توجه به این‌که امام حسین (ع) فرموده‌اند: «... من دلائل ألعالم انتقاده لحديثه...؛ از نشانه‌های دانشور این است که سخنان خویش را به نقد کشد»، هیچ پژوهشی را پیش از انجام دادن این دو کار مهم، به کسی یا جایی عرضه نکنیم:

یک: بازنگری.

دو: بازنگاری.

پس از انجام دادن این دو کار، باز هم پژوهش خود را عرضه نکنیم و این تجربه را آویزه گوش خویش قرار دهیم و به مدت حدود یک اربعین (چهل روز) از کار پژوهشی مان فاصله بگیریم که حافظ شیرین سخن گفته است:

سحرگه ره‌روی در سرزمینی همی‌گفت این معما با قرینی

که ای صوفی! شراب آن‌گه شود صاف که در شیشه برآرد اربعینی

پس از سپری شدن این مدت، دوباره به سراغش برویم و آن را مطالعه نماییم و سپس به دیگران عرضه کنیم. اگر از این تجربه، بهره‌ور یا بهره‌های علمی و تحقیقی و تألیفی جدیدی نصیب‌تان شد در حق گوینده این تجربه، دعای خیر کنید که سعدی‌گونه:

غرض نقشی است کز ما باز ماند که گیتی را نمی بینم بقای
مگر صاحب دلی روزی به رحمت کند در کار درویشان دعایی

۱۳. از آفت هایی که شماری از محققان و مراکز تحقیقاتی - اگر نگوییم بسیاری از آن ها - به آن دچار می شوند و گاه همچون خوره به جانشان می افتد، «پراکنده کاری» و «نیمه کاری» در تحقیقات است. یک روز در مجلسی که تنی چند از محققان حضور داشتند، همگی می گفتند و می نالیدند که چقدر تحقیقات پراکنده و نیمه کاره دارند. در این میان نیز، یکی از محققان حوزوی را نام می بردند که تا یک تحقیق و تألیف خود را به پایان نرساند، به تحقیق و تألیف دیگری نمی پردازد. به همین جهت نیز بوده است که تاکنون حدود ۱۰۰ کتاب و مقاله را به نگارش درآورده است. بنابراین، از خدای خویش بخواهیم که به همه ما توفیق دهد تا بتوانیم به این حدیث ژرف و شگرف از امام صادق (ع) عمل کنیم:

إِذَا كَانَ الرَّجُلُ عَلَى عَمَلٍ فَلْيَتَدَبَّرْ عَلَيْهِ سَنَةً ثُمَّ يَتَحَوَّلْ عَنْهُ إِنْ شَاءَ إِلَى غَيْرِهِ ...

هرگاه کسی در حال انجام دادن کاری است، تا یک سال آن را ادامه دهد و سپس اگر خواست، از آن کار دست کشد و به سراغ کار دیگری رود.^۲

۱۴. از آفت های برخی محققان و مراکز تحقیقاتی، نظم منطقی نداشتن در مطالبشان است و سوگمندانه باید گفت که گاه این بی نظمی تحقیقاتی را با عبارت هایی نامقبول و حتی گاه نامشروع همچون «نظم ما در بی نظمی ماست» و «الْكَلَامُ يَجْزِي الْكَلَامَ» توجیه می کنیم. در حالی که مولایمان، حضرت امیر مؤمنان علی (ع)، چه زیبا همه ما را سفارش کرده اند:

أَوْصِيَكُمْ وَ جَمِيعَ وُلْدِي وَ أَهْلِي وَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَ نَظْمٍ أَمْرَكُمْ ...

شما دو تن (امام حسن و امام حسین (ع)) و همه فرزندان و خاندانم و هر کسی را که نوشته من به دست او می رسد، به تقوای الهی و نظم در کارتان سفارش می کنم.^۳

و نیز ایشان فرموده اند:

أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا زَانَهُ حُسْنُ النِّظَامِ وَ فِهْمُهُ الْخَاصُّ وَ أَلْعَامُ.

زیباترین سخن، آن است که ساختار زیبایش آن را آراسته کرده باشد و نخبگان و

همگان آن را دریابند.^۴

و شاعر نیز چه زیبا گفته است:

بسیار ای سخنگوی چابک‌سرای بساط سخن را یکایک به جای

۱۵. طبق تحقیقاتی که درباره نام و عنوان ۱۰۰ کتاب پُرفروش دنیا صورت گرفته، این آمار به دست آمده است که کتاب‌های دارای عنوان‌های سه کلمه‌ای، از بالاترین درصد برخوردار بوده‌اند. پس بکوشیم که عنوان‌های سه کلمه‌ای را بیش‌تر برای تحقیقات و تألیفاتمان برگزینیم.

۱۶. پس از فرجام رسیدن تحقیق و تألیف و پیش از دادن آن به دیگران، یک کپی پُررنگ و یک رواز آن بگیریم و هرگاه هزینه مالی سنگین آن در برابر چشمانمان مجسم شد، هزینه زمانی و روانی و سنگین‌تر گم شدن و از دست دادن پژوهش و نگارش چندین ماهه و حتی چندین ساله خود را در برابر چشمان اشک‌آلود و دل‌های بغض‌آلودمان مجسم نماییم. چه بسیار دیده یا شنیده‌ایم که پژوهش پژوهنده‌ای و نوشته نویسنده‌ای در دست دوستی یا مشاوره یا صاحب‌نظری یا مؤسسه‌ای یا ویراستاری یا ناشری یا حروفچینی یا نمونه‌خوانی یا صفحه‌آرایی یا طراحی یا لیتوگرافی و یا چاپخانه‌ای گم شده و یا از بین رفته است. جای دوری نرویم و به عرض مبارکتان برسانیم که گاه پژوهندگان و نویسندگانی، خودشان، یک کار پژوهشی و نگارشی را انجام داده‌اند و اینک نمی‌دانند آن را در کجا گذاشته‌اند.

۱۷. چنان‌چه واقعاً پژوهنده و نویسنده‌ایم، فقط به فکر کیف و تلفن همراه نباشیم؛ بلکه به فکر قلم و کاغذ همراه نیز باشیم. اگرچه اغراق‌آمیز است، گفته‌اند: «هر کس قلم و کاغذ به همراه خود نداشته باشد، علم و حکمت در قلب او جای نخواهد گرفت.» شایسته است این قلم و کاغذ از همان نوع قلم و کاغذی باشد که در تحقیقات و تألیفاتمان از آن‌ها استفاده می‌نماییم تا یکسانی و یکدستی یادداشت‌ها از نظر جنس و رنگ قلم، و برگه‌های یادداشت از نظر اندازه، فاصله سطرها و حاشیه‌ها، عنوان‌گذاری، دسته‌بندی و مانند آن محفوظ بماند و پاکیزگی و زیبایی ویژه خود را از دست ندهد. گفتنی است اگر بخواهیم محکم‌کاری کنیم، بهتر است که این قلم و کاغذ را، هم در جیب، هم در کیف و هم در وسیله نقلیه خود نیز بگذاریم.

۱۸. چنان‌چه بخواهیم که تعداد صفحات تحقیق و تألیفمان کمتر شود تا هزینه چاپ و نشر آن نیز کمتر گردد و در نتیجه، قیمت کتابمان برای خواننده ارزان‌تر تمام شود و کتابمان زودتر به فروش برسد، پیش از حروفچینی و پس از مشورت با ناشر و حروفچین کتابمان، از

آنان بخواهیم - در حدی که زیبایی و چشم‌نوازی کتابمان از بین نرود - شش کار را هنگام حروفچینی و صفحه‌آرایی در نظر بگیرند و انجام دهند:

یک. نوع حروف کتابمان را - اگر با برنامه زرنگار حروفچینی می‌نمایند - از نوع حروف میترا یا نازنین برگزینند؛ زیرا این حروف اصطلاحاً حروف جمع و جوری هستند و در یک سطر، کلمات بیش‌تری را در خود جای می‌دهند.

دو. پوینت یا همان اندازه قلم را کوچک‌تر برگزینند. مثلاً به جای پوینت ۱۴، نوشته ما را با پوینت ۱۳ حروفچینی نمایند.

سه. فاصله میان سطرها را کم‌تر بگیرند. به طور نمونه، سطرها را با فاصله ۶/۵ میلی‌متر حروفچینی و صفحه‌آرایی نمایند، نه با فاصله ۷ میلی‌متر.

چهار. سطرها را با طول بیش‌تری حروفچینی کنند. مثلاً سطرهای کتاب قطع وزیری را با طول ۱۳ سانتی‌متر حروفچینی نمایند، نه با طول ۱۲ سانتی‌متر.

پنج. اگر پاورقی‌های تحقیق و تألیفمان کوتاه است، هر دو یا سه پاورقی را در یک سطر حروفچینی کنند.

شش. مقدار تورفتگی آغاز پاراگراف‌ها را کم‌تر در نظر بگیرند.

گفتنی است که چنان چه - خدای نخواست - بخواهیم کتابمان را چاق‌تر و فربه‌تر نشان دهیم، عکس نکات گفته شده را انجام دهیم.

۱۹. توکل بر خدای سبحان و توسل به معصومان (ع) و به ویژه امام زمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف - را هرگز فراموش نکنیم. یکی از محققان را می‌شناسم که همیشه از خدای علیم و حکیم و از امام زمان خود می‌خواهد تا او را از انحراف و حتی از اشتباه در تحقیق و تألیف مصون بدارند و همیشه نیز این چنین دعا می‌کند: «خدا! اگر در این تحقیق و تألیف من، رضایت تو و خیر من وجود ندارد، مرا از ادامه آن منصرف گردان و آن را به فرجام مرسا!»

۲۰. تحقیقات و تألیفات خویش را متناسب با موضوع و محتوای آن و با قلمی زیبا به معصومان (ع) و جز آن تقدیم نماییم. مثلاً یکی از مؤلفان حوزوی، کتاب خویش را به حضرت فاطمه زهرا (س) این‌گونه تقدیم کرده است:

«پیشکشم فقط

به ضریح سبز دیدگان دوست (س)

که لحظه لحظه زیارت

دخیل یک تبسم نگاه اوست».

۲۱. از خدای بزرگ بخواهیم همان گونه که در پژوهش ها و نگارش های خود، گاه آن چنان غرق و غوطه ور می شویم و همه چیزمان و حتی خواب و خوراک و نماز اول وقت و حضور قلب در نمازمان را نیز از یاد می بریم، در نیایش های خود با خدای بزرگ و به ویژه در نمازهایمان نیز این گونه باشیم و نمازهایمان را در اول وقت و با حضور قلب بخوانیم.

۲۲. از خدای سبحان بخواهیم که در تحقیقات و تألیفاتمان، اگر «بود» مان بیش از «نمود» مان نیست، دست کم «نمود» مان بیش از «بود» مان نباشد. به گفته سعدی در کتاب بوستان:

به اندازه بود باید نمود	خجالت نبرد آن که ننمود و بود
که چون عاریت برگنند از سرش	نماید کهن جامه ای در برش
اگر کوتاهی، پای چوبین میند	که در چشم طفلان نمایی بلند
و گر نقره اندوده باشد نحاس	توان خرج کردن بر ناشناس
منه جان من آب زر بر پیشیز	که صراف دانا نگیرد به چیز
زراندودگان را به آتش برزند	پدید آید آن گه که مس یا زرزند

۲۳. از خداوند رحمان بخواهیم به آن چه می گوئیم و می نویسیم، خود نیز عمل کنیم و از آن چه دیگران را باز می داریم، خود نیز دوری نماییم و چه نیک گفته اند: «رطب خورده، منع رطب چون کند؟»

۲۴. بکشیم تا در هنگام پژوهش با وضو و رو به قبله باشیم. این قلمزن، محقق و نویسنده ای را می شناسد که تاکنون تحقیقات و کتاب های خویش را بدون وضو به قلم نیاورده است.

۲۵. بی پرده به شما بگوییم که «اگر با پول می نویسیم، ولی برای پول ننویسیم» و چنان چه ضرورتی یا اضطراری در میان نباشد، امتیاز تحقیق یا تألیفمان را به صورت دریافت یک بار حق التألیف و برای همیشه واگذار نکنیم و اصطلاحاً آن را فیکس فروش ننماییم؛ بلکه آن را به صورت دریافت حق التألیف در هر نوبت چاپ، به ناشران و مانند آنان واگذار کنیم در صورتی که می توانیم، قرارداد تحقیق و تألیف خود را بر مبنای دریافت ده درصد قیمت هر کتاب با ضریب شمارگان (= تیراژ) که اکنون حد متوسط و متعارف این گونه قراردادهاست، منعقد

نماییم. هر چند رضایت و توافق دو طرف قرارداد، حرف اصلی و نهایی را خواهد زد و اگر می‌توانیم، تحقیق و تألیف‌مان را به ویراستاران و حروفچینان و نمونه‌خوانان و طراحان و مؤسسات پژوهشی و انتشاراتی تازه‌کار و یا تازه به دوران رسیده ندهیم؛ هر چند در این امر، ممکن است استثنائاتی نیز وجود داشته باشد.

۲۶. از هم‌اکنون یک دفتر کلاسور بزرگ برای تحقیقات و تألیفات بعدی‌مان تهیه کنیم و برای هر موضوعی، یک یا چند صفحه سفید در نظر بگیریم و بالای صفحه نخست آن‌ها، عنوان آن موضوعات و تاریخ شروع تحقیقات مربوط به آن موضوعات را بنویسیم و برای هر بخش و موضوعات ذیل آن، یک کد جداگانه در نظر بگیریم. مثلاً کد «۱» برای بخش «عقاید»، کد «۲» برای بخش «اخلاق» و کد «۳» برای بخش «فقه» و کد «۱/۱» برای موضوع عقیدتی «توحید» و کد «۱/۲» برای موضوع عقیدتی «نبوت» و کد «۱/۳» برای موضوع عقیدتی «معاد» و کد «۲/۱» برای موضوع اخلاقی «تقوا» و کد «۲/۲» برای موضوع اخلاقی «توبه» و کد «۳/۱» برای موضوع فقهی «نماز» و کد «۳/۲» برای موضوع فقهی «روزه» در نظر گرفته شود.

البته در آغاز همین دفتر، فهرست بخش‌ها و موضوعات ذیل هر کدام و کد مربوط به آن موضوعات را بنویسیم. آن‌گاه به مرور زمان، هر مطلب و نکته مهم و قابل یادداشتی را که درباره این موضوعات مطالعه کردیم، فوراً در قسمت و صفحه مربوط به آن موضوع بنویسیم تا فراموشمان نگردد. پس از مدتی خواهیم دید که دارای انبوهی از مطالب مهم و یادداشت‌های نو و جالب و آماده برای نگارش مقاله و کتاب و مانند آن هستیم. این شیوه برای نگارنده تاکنون آثار و فواید بسیاری داشته‌گاه افسوس و حسرت خورده که چرا از آغاز کارهای مطالعاتی و تحقیقاتی، به این شیوه عمل نکرده است.

۲۷. پژوهش‌های خود را با قلم «سیاه» بنویسیم تا همان‌گونه که در روان‌شناسی رنگ‌ها گفته‌اند هم از رنگی با شخصیت و نیز رایج در چاپ اغلب کتاب‌ها استفاده کرده باشیم و هم پس از کپی کردن دست نوشته، با کم‌رنگی و یا ناخوانایی حروف و کلمات آن روبه‌رو نگردیم.

۲۸. تحقیق و تألیف خود را با خط خوش و یا دست کم با خط خوانا بنویسیم و اگر دارای خط خوش و یا خوانایی نیستیم، این کار را به شخص دیگری بسپاریم و یا چنان چه هزینه پاک‌نویس کردن با هزینه حروفچینی کردن آن تفاوت چندانی ندارد، تحقیق و تألیف خود را

حروفچینی کنیم و سپس هزینه آن را از ناشر دریافت نماییم؛ زیرا معمولاً ناشران، این هزینه‌ها را به ما پرداخت می‌کنند و حتی برخی از آنان، به جهت این که باری از مراحل چاپ کتاب را از دوششان برداشته‌ایم، از ما سپاسگزاری و قدردانی نیز می‌نمایند.

باید تأکید کنیم ناخوانایی و ناپاکیزگی متن و دست‌نوشته، ممکن است باعث شود که ناشر بدون مطالعه دست‌نوشته‌مان نسبت به چاپ آن نظر منفی بدهد. پس به گفته درست و زیبای یکی از نویسندگان گوش فرا دهیم: «خوانایی و پاکیزگی متن دست‌نوشته، عامل چاپ آن نمی‌شود، اما مانع چاپ نشدن آن می‌گردد».

۲۹. تلاش کنیم مطالب‌مان را روی برگه کلاسور بزرگ بنویسیم تا هرگاه خواستیم، به آسانی بتوانیم از مطالب آن بکاهیم و یا بر آن بیفزاییم و آن‌ها را آسان‌تر کپی نماییم و حروفچین نیز بتواند در هنگام انجام دادن کار خود، به آسانی آن‌ها را جابه‌جا نماید.

۳۰. مطالب‌مان را با فاصله تقریبی دو سانتی‌متر بین سطرها و روی یک طرف برگه بنویسیم تا هم برای تجدید نظرهای احتمالی خودمان و اصلاحات قطعی و ویراستار نوشته‌مان جای خالی گذاشته باشیم و هم حروفچین کتابمان به راحتی و با غلط‌های کم‌تری، مطالب ما را حروفچینی نماید. توجه داشته باشیم که برگه‌های کلاسور چهار حلقه‌ای، دیرتر از برگه‌های دو حلقه‌ای کنده می‌شود و از بین می‌رود؛ هر چند می‌دانیم که برچسب‌های حلقه‌ای شکل برای جلوگیری از این‌کنده شدن، در فروشگاه‌های لوازم التحریر وجود دارد.

۳۱. اگر بر یک طرف برگه کاغذ، مطالب‌مان را می‌نویسیم، برای حاشیه بالا، پایین و سمت چپ صفحات دست‌نوشته خود، فاصله‌ای حدود دو سانتی‌متر و برای حاشیه سمت راست آن، فاصله‌ای حدود سه سانتی‌متر را در نظر بگیریم و آن را سفید و نانوشته باقی بگذاریم تا هم برای اصلاحات و اضافات خود و ویراستار، جای خالی داشته باشیم و هم حروفچین به راحتی و با غلط‌های کم‌تری بتواند دست‌نوشته ما را حروفچینی نماید.

شایان ذکر است که بیش‌تر بودن فاصله یک سانتی‌متر در حاشیه سمت راست، برای بی‌منگنه و یا چسب و یا صحافی کردن شیرازه دست‌نوشته است و در صورتی که مطالب خود را بر پشت برگه دست‌نوشته نیز می‌نویسیم، برای حاشیه سمت راست آن، فاصله‌ای حدود دو سانتی‌متر و برای حاشیه سمت چپ آن، فاصله‌ای حدود سه سانتی‌متر را در نظر بگیریم و آن را سفید و نانوشته باقی بگذاریم.

۳۲. شماره صفحات دست نوشت را در انتهای سطر اول و به طور واضح و پررنگ بنویسیم و در صورتی که مطالبمان را پشت برگه نیز می‌نویسیم، شماره صفحات پشت برگه را در ابتدای سطر اول بنگاریم.

۳۳. نوشتن هر مطلب جدیدی را از صفحه جدید آغاز کنیم و مطالب را پشت سر هم و به صورت طوماری بنویسیم تا چنان چه بعداً بخواهیم مطلب یا مطالبی را به دنبال و در ادامه مطالب قبلی اضافه نماییم، با مشکل کمبود جا برای آن روبه‌رو نگردیم.

۳۴. آغاز هر فصل یا بخش را با فاصله سفید از بالای صفحه آغاز کنیم تا هم دست نوشت ما زیباتر شود و هم ویراستار و حروفچین و سپس خواننده بدانند که با فصل و بخش و مطالب جدیدی روبه‌رو شده است.

۳۵. یکی از مشکلات پژوهندگان و نویسندگان، نوشتن پاورقی‌ها است؛ زیرا فراوان پیش می‌آید که آنان چون به پایین صفحه دست نوشت خود می‌رسند، متوجه می‌شوند که پاورقی‌های آن صفحه را ننوشته و جای خالی برای آن نگذاشته‌اند و گاه نیز اصلاً فراموش کرده‌اند که پاورقی‌ها را بنویسند و بعداً یادشان می‌آید که پاورقی فلان صفحه یا حتی صفحات را ننوشته‌اند. دو راه برای حل این مشکل پیشنهاد می‌کنیم:

یک: با توجه به این که گفته شد پشت برگه دست نوشت را شایسته است سفید و نانوشته بگذاریم، می‌توانیم تمام پاورقی‌های هر صفحه را در پشت همان صفحه بنگاریم و به ناشر و حروفچین، این نکته را تذکر دهیم که پاورقی‌های هر صفحه در پشت همان صفحه است.

دو: به هر جای متن دارای پاورقی که رسیدیم، در همان هنگام و از پایین صفحه به جهت بالای صفحه و به اندازه تعداد سطرهای هر پاورقی، در پایین صفحه دست نوشت خویش فاصله بگذاریم و این فاصله را با نشانه‌ای، مانند نقطه و خط تیره پررنگ، برای خودمان مشخص نماییم و سپس نوشتن را ادامه دهیم تا به پاورقی دوم برسیم. در این هنگام نیز از محل نشانه پیشین و در جهت پایین به بالای صفحه و به تعداد سطرهای پاورقی دوم، فاصله می‌گذاریم و این فاصله را با نشانه‌ای معین می‌کنیم و به همین ترتیب، پاورقی‌های بعدی را دوباره با همان نشانه مشخص می‌نماییم. آن‌گاه در هنگام نوشتن، به نخستین نشانه‌ای که رسیدیم، از نوشتن ادامه متن خودداری می‌کنیم و نوشتن پاورقی‌ها را به ترتیب، آغاز

می‌نماییم. پس از نوشتن پاورقی‌های آن صفحه - به هر تعداد که باشند - نوشتن ادامه متن را از صفحه بعدی آغاز می‌کنیم و پاورقی‌های صفحات بعد از نیز به همین گونه‌ای که گفته شد، می‌نویسیم. امید است که دیگر با مشکلی به نام پاورقی نویسی روبه‌رو نشویم.

۳۶. اگر می‌خواهیم که متن حروفچینی شده کتابمان از زیبایی و چشم‌نوازی پسندیده‌ای برخوردار باشد، خوب است با برخی از اصطلاحات تایپی و مثلاً در برنامه «زرنگار» که در زیر آورده شده است، آشنا شویم:

یک: نام قلم (Font): که تعیین کننده شکل اصلی قلم است، مانند قلم لوتوس، قلم میترا و قلم کامپیوست. مثلاً همین کلماتی که در حال مطالعه آن‌ها هستید، با قلم لوتوس حروفچینی شده است.

دو: نماد یا سیاق قلم (Style) که تعیین کننده نمایش خاصی از یک قلم است، مانند قلم نازک، قلم سیاه، قلم ایرانیک (خمیده از راست به چپ)، قلم ایتالیک (خمیده از چپ به راست) و ترکیبات آن‌ها همچون قلم نازک ایتالیک و قلم سیاه ایتالیک. مثلاً کلمه «اهواز» به صورت نازک و ایرانیک (با ۲۰٪ خمیدگی از راست به چپ) و کلمه «آبادان» به صورت سیاه و ایتالیک (با ۲۰٪ خمیدگی از چپ به راست) حروفچینی شده است.

سه: پوینت قلم (Point size) که تعیین کننده اندازه قلم است، نظیر قلم با پوینت یا اندازه ۱۰ و قلم با پوینت یا اندازه ۱۴. مثلاً همین جملاتی که در حال مطالعه آن‌ها هستید، با قلم پوینت ۱۴ و جمله «یادگیری روش فیش‌برداری از ضروریات تحقیق و تألیف است» با قلم پوینت ۱۰ حروفچینی شده است.

چهار: حالت قلم که تعیین کننده نوع حالت عادی، آندیس بالا، اندیس پایین، کشیده و یا فشرده حروف و کلمات است. مثلاً حالت عادی کلمه «قلم» به همین صورتی بود که دیدید و حالت کشیدگی آن به صورت «قلم» با ۵۰٪ کشیدگی و حالت فشرده آن به صورت «قلم» با ۵۰٪ فشرده‌گی است.

پنج: چینش قلم که تعیین کننده نوع چینش تراز شده، راست چین، وسط چین و چپ چین حروف و کلمات است. مثلاً نوع چینش راست چین، وسط چین و چپ چین در عبارت زیر نشان داده شده است:

آیین پژوهش و نگارش (راست چین)

آیین پژوهش و نگارش (وسط چین)

آیین پژوهش و نگارش (چپ چین)

۳۷. بکشیم که هرگونه اصلاحات و اضافات مربوط به متن دست‌نوشته را پیش از حروفچینی کردن انجام بدهیم؛ زیرا انجام دادن این کار پس از حروفچینی - جز در موارد خاص - باعث ناراحتی روانی حروفچینان می‌شود، حتی اگر ما ناراحتی آنان را از نظر اقتصادی، با پرداخت حق الزحمه آن جبران کنیم.

۳۸. هنگامی که کتاب و پژوهش ما حروفچینی شد، برای غلط‌گیری و نمونه‌خوانی، نخست آن را به شخص دیگری که دارای چهار ویژگی زیر است بدهیم:

یک: آشنایی نسبی با محتوا و مطالب متن نمونه خوانی داشته باشد.

دو: آشنایی نسبی با نشانه‌های نمونه خوانی داشته باشد.

سه: دقت در هنگام نمونه خوانی داشته باشد.

چهار: صبر و حوصله در هنگام نمونه خوانی داشته باشد.

این که می‌گوییم نمونه خوانی کتابمان را نخست به شخص دیگری بدهیم، بدین جهت است که چون خود ما با مطالب کتابمان آشنا هستیم و این مطالب از قبل، در ذهن ما نقش بسته موجب می‌گردد که برخی از کلمات، بدون این که از سوی ما غلط‌گیری شود، از برابر چشم ما سریع عبور نمایند. دوم این که پس از غلط‌گیری آغازین از سوی دیگران، وقت ما هنگام غلط‌گیری مجدد، کم‌تر تلف خواهد شد.

۳۹. در صورتی که فقط خودمان مطالب حروفچینی شده را غلط‌گیری می‌کنیم، حتماً غلط‌گیری به صورت مقابله متن حروفچینی شده با متن دست‌نوشته مان انجام گیرد؛ زیرا ممکن است که حروفچین، پاراگرافی از متن دست‌نوشته ما را جا انداخته و حروفچینی نکرده باشد و ما اگر غلط‌گیری را به صورت «مقابله» انجام ندهیم فقط متن تایی را غلط‌گیری کنیم، متوجه جافتادگی مذکور و این اشتباه بزرگ نشویم.

۴۰. پس از حروفچینی، تحقیقات و تألیفات خویش را - افزون بر شخص دیگری که گفته شد - حتم؛ خودمان نیز غلط‌گیری کنیم و این کار را برای خود، کسر شأن ندانیم تا صحت تایی

کارمان از ضریب اطمینان بالاتری برخوردار باشد و در این زمینه، به دیگران چندان اطمینان نداشته باشیم تا ناخواسته گاه در دام غلط‌های کفرآمیز یا زشت‌گون و یا خنده برانگیز قرار نگیریم و کتاب ما مانند آن کتاب‌هایی نشود که به جای عبارت «برترین قضاوت کنندگان، حضر امیرمؤمنان علی علیه السلام است»، این‌گونه حروفچینی شده بود: «بدترین قضاوت کنندگان، حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام است».

برای این که نوشتار خود را با شیرین‌کامی شما به پایان برده باشیم، باید بگوییم که یک بار عنوان کتاب «روش فیش‌برداری و دسته‌بندی کتاب» به قلم این جانب را بدین‌گونه حروفچینی کرده بودند: «روش فیش‌برداری و بسته‌بندی مطالب».

پی‌نوشت‌ها:

۱. تحف العقول، ابن شعبه حرّانی، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۴ ق، ص ۲۴۸.
۲. الکافی، ۸ جلد، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷ ش، ج ۳، ص ۸۲.
۳. نهج البلاغه، نامه ۴۷.
۴. غررالحکم، حدیث ۳۳۰۱.

مرکز تحقیقات کمپیوتر علوم اسلامی